

وزیر بهداشت اعلام کرد

۲ شرط کاهش پرداخت از جیب بیماران

محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت دیروز در نشستی خبری بهمناسبت روز خبرنگار، نقش رسانه برای ارتقای سواد سلامت را ضروری دانست و گفت، بسیاری از سرطان ها و بیماری های قلبی - عروقی با آموزش قابل پیشگیری است. شیوع کم تحرکی در جامعه ایرانی، کاهش کمبودهای دارویی در بیمارستان ها، ضرورت اجرای نظام ارجاع، پرداخت سوسپید برای خدمات درمانی مهاجران، تدابیری برای واقعی سازی قیمت دارو... از مهم ترین نکاتی بود که وزیر بهداشت در اولین نشست خبری پرسش و پاسخ با خبرنگاران به آنها پرداخته است.

به گزارش خبرنگارانین، ظفرقندی درباره بحث جوانی جمعیت گفت: «این بحث ملی است و بخشی از آن برعهده وزارت بهداشت است. در رشد جمعیت شیب نزولی داریم که خطر بزرگی برای کشور به شمار می رود. ۹۸۰ هزار کودک در سال گذشته متولد شدند که برای اولین بار به زیر یکمیلیون تولد در سال رسیدیم.» او ادامه داد: «در دوران جنگ در گیلان حدود چهار میلیون مسافر داشتیم و کمبود قابل پیش بینی بود. اما طی دو روز، نیازهای درمانی و دارویی مردم تامین شد. ظرفیت های کارخانه های ما معین است و نمی توان آنها را چندبرابر افزایش داد. به طور مثال، بیژم به میزان کافی تهیه کرده ایم تا در شرایط بحرانی دچار مشکل نشویم. برای اربعین هم آمادگی کامل داریم.»

▼ به مهاجران افغان سوسپید دادیم

ظفرقندی درباره ارائه خدمات پزشکی به مهاجران افغان گفت: «اگر مهاجران افغان دارای اسناد اقامتی و شناسنامه باشند، خدمات درمانی با پوشش بیمه ای برای آنها در تمام بیمارستان ها ارائه می شود. اگر مهاجران افغان، دارای اسناد اقامتی نباشند، مشمول دریافت خدمات بیمه ای نمی شوند و باید نسبت به تهیه مدارک اقدام کنند. با این وجود سوسپید قابل توجهی برای این افراد در زمینه خدمات اورژانس و زایمان پرداخت شده است.» او درباره اشتغال تحصیل کرده های علوم پزشکی اتباع افغان در ایران هم توضیح داد: « کسانی که در ایران درس خوانده اند و مدارک پزشکی دارند، اگر مدارک اقامت مستند هم داشته باشند، براساس ضوابط سازمان نظام پزشکی امکان ارائه خدمات در مناطق مورد نیاز را خواهند داشت.»

▼ شرط کاهش پرداخت هزینه از جیب بیماران

ظفرقندی در پاسخ به سوالی که اکنون پرداخت از جیب مردم در مراکز درمانی به حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد رسیده و سازمان های بیمه ها حمایت ندارند هم گفت که براساس قانون برنامه هفتم توسعه، میزان پرداخت از جیب مردم باید به ۳۵ درصد برسد. اگر به دنبال کاهش پرداخت هزینه ها از جیب مردم هستیم، باید از برنامه نظام ارجاع و پزشکی خانواده تبعیت کنیم. به گفته ظفرقندی، بیمه سلامت نزدیک به ۳۰ همت مطالبه از دولت و سازمان برنامه دارد و این رقم درباره تامین اجتماعی در زمان شروع به کار وزارت بهداشت دولت چهاردهم ۹۷ همت بوده است. اگر ردیف های بودجه و پرداختی به بیمه ها به درستی صورت بگیرد و نظام ارجاع هم اجرا شود، می توان شاهد کاهش پرداخت از جیب بیماران بود.

▼ هر تخت بیمارستانی ۱۰ میلیارد تومان

وزیر بهداشت در ادامه درباره ساخت و سازهای بیمارستانی هم بیان کرد: «ساخت هر تخت بیمارستانی حدود ۱۰ میلیارد تومان هزینه دارد. برای امسال حدود ۶۰۰۰ تخت بیمارستانی به مجموعه نظام سلامت کشور اضافه می شود.» این مسئول درباره جذب نیروهای جدید در وزارت بهداشت گفت: «شهرپورماه امسال آزمون استخدامی برگزار و ۲۷ هزار نفر جذب خواهند شد. در این زمینه تاکنون نزدیک ۱۱۱ هزار نفر ثبت نام کرده اند. البته جذب این تعداد نیرو فعالیت نمی کند و نیازمان بیشتر از این است.»

▼ کمبود پزشک در بعضی رشته ها

ظفرقندی درباره کمبود پزشک در برخی رشته های پزشکی و راهکارهای افزایش نیروی انسانی در حوزه های تخصصی بیان کرد: «در رشته هایی از جمله بهوشی، طب اورژانس، اطفال و برخی جراحی ها با کمبود نیرو مواجه هستیم که با ارائه تسهیلات و بهبود شرایط اقتصادی می توان این کمبودها را افزایش داد. از جمله این که تعرفه های نسخه نویسی اطفال افزایش داشته باشد.» او تاکید کرد: «این مسئله در دستور کار شورای عالی بیمه هست اما محدودیت های مالی و منابع وجود دارد. ازسوی دیگر، باید ورود به این رشته ها را نیز تسهیل کنیم. مثلاً در رشته جراحی قلب به جای چهار سال جراحی عمومی، طرح و بعد دوره تخصصی، مواردی که در اختیار وزارتخانه است، مدت جراحی را از چهار به سه سال کاهش دهیم و طرح را هم حذف کنیم.»

افزایش چشمگیر شهریه های مدارس غیر دولتی، خانواده های دانش آموزان را به دردسر انداخته است

کلاس های ۲۰۰ میلیون تومانی

در ۳ ماه اخیر ۲۲ مدرسه به دلیل تخلفات مرتبط با شهریه تعطیل شده اند

نسیم سلطان بیگی

خبرنگار گروه جامعه

درس خواندن دانش آموزان ساکن ایران، روزبه روز گران تر از دیروز. این خلاصه آنچه است که دانش آموزان و خانواده ها این روزها و در فصل ثبت نام مدارس تجربه می کنند. خانواده ها از افزایش عجیب شهریه های مدارس غیردولتی می گویند و مسئولان وزارت آموزش و پرورش از یللب مدارس مختلف. خانواده های دانش آموزان می گویند پرداخت شهریه های تا ۲۰۰ میلیون تومان، در تون شان نیست اما به دلایل شرایط زندگی و کاری شان مجبورند فرزندان شان را در مدارس غیردولتی ثبت نام کنند اما هزینه های تحصیل دانش آموزان شان به آنها فشار زیادی وارد می کند. «اگر مجبور نبودم این انتخاب را نمی کردم.» این را پدر یکی از دانش آموزان مدارس غیردولتی می گوید. مادر دیگری می گوید، استانداردهای آموزشی در بدترین وضعیت ممکن است. پدر دیگری هم بر این باور است که کیفیت آموزشی چندان بالا نیست. تمام این گلایه ها در حالی است که بررسی های «هم میهن» نشان می دهد مدارس غیردولتی، شهریه هایی تا حدود ۲۰۰ میلیون تومان از خانواده ها دریافت می کنند. شهریه ای که به باور معلمان همین مدارس شکل دهنده بی عدالتی گسترده ای در نظام آموزشی است. معلمان معتقدند در مدارس غیردولتی رویکردی تجاری پیش گرفته شده و مسئولان هدف خود را «پرورش نسل آینده مدیران» عنوان می کنند. از سوی دیگر، نبود نظارت روی کیفیت آموزش معلمان در مدارس دولتی، یکی از نقاط پررنگ اختلاف مدارس دولتی و غیردولتی است.

سمانه تاجور، معلمی که در مدارس دولتی و غیردولتی تدریس کرده است، مسئولیت این موضوع را متوجه سیاست گذاری های آموزشی کشور می داند: «زمانی که حاکمیت تصمیم به گسترش مدارس خصوصی می گیرد، درواقع بخشی از مسئولیت آموزش عمومی را به بخش خصوصی واگذار و از دوش خود سلب می کند.» زهرا وکیل هم معلم دیگری است که در مدارس غیردولتی تدریس می کند: «وقتی نگاهی به نظام آموزشی می اندازیم، می بینیم که اغلب افراد برجسته سیاسی و فرهنگی، از طبقه خاص اجتماعی و مدارس خاصی فارغ التحصیل شده اند که این خود پیام واضحی درباره بی عدالتی است.» احمد محمودزاده، رئیس اداره مدارس غیردولتی آموزش و پرورش هم در گفت وگو با «هم میهن» از تعطیلی ۲۲ مدرسه در سه ماه اخیر به دلیل تخلف در دریافت شهریه خبر می دهد: «در گزارش های سه ماهه اخیر، ۱۰۴ مدرسه توسط شورای نظارت بررسی شده اند که ۲۲ مورد از این مدارس بر خورد شده است؛ برخی تعطیلی موقت و برخی تعطیلی دائم داشته اند.»

▼ ثبت نام ۲۰۰ میلیون تومانی

جواد و همسرش مجبور شدند فرزندان را در مدرسه غیرانتفاعی ثبت نام کنند: «چون من و همسرم هردو شاغل هستیم و باید فرزندان را در مدرسه ای ثبت نام می کردیم که بتوانند تا ساعت چهار اورانگه دارند.» آنها فرزندان را در مدرسه ای حوالی خیابان انقلاب، نزدیک محل کارشان، ثبت نام کردند و امسال در زمان ثبت نام از آنها خواستند به عنوان مبلغ اولیه، ۹۵ میلیون تومان پرداخت کنند: «در طول سال برای کلاس های فوق برنامه و اردو هایی که می برند، هزینه جدا دریافت می کنند و این عدد معمولاً از ۱۵۰ میلیون تومان بیشتر می شود.» جواد در پاسخ به سوال «هم میهن» درباره هزینه های جانبی تحصیل فرزندش می گوید: «هزینه کلاس های فوق برنامه، جشن ها و اردوها را جدا دریافت می کنند. پول کتاب ها و جزوه ها هم جدا محاسبه می شود. تغذیه هم چیزی است که در مدرسه به پیچه ها نمی دهند و باید خودمان تهیه کنیم. اما مواد موجود در وعده غذایی را مدرسه تعیین می کند.» به گفته او، تقریباً معادل شهریه اولیه ای

گزارش آموزش



به گفته او این کلاس ها جزو هزینه ثبت نام است و هزینه اضافی از آنها دریافت نمی کنند: «بچه ها این امکان را دارند که تا ساعت هفت عصر در مدرسه بمانند و از سالن مطالعه مدرسه برای خواندن درس هایشان استفاده کنند.»

فرزاد، پدری است که فرزندش را در مدارس غیرانتفاعی ثبت نام نکرده اما دوستانی دارد که فرزندان شان در مدارس غیردولتی درس می خوانند. او درباره تجربه آنها به «هم میهن» می گوید: «والدین به واسطه پولی که می دهند، خواستار عملکرد بهتری هستند اما گاهی اوقات بهای پایین آوردن سطح امتحان و سنجش در غیرانتفاعی ها، دانش آموزان نزد خانواده ها به شکل خوب و برتر بازنمایی می شوند. در حالی که کیفیت آموزشی چندان بالا نیست.» او معتقد است برای پدر و مادر این مهم است که احساس کنند باز خورد مدرسه و معلم درباره فرزندشان مثبت است: «من از برخی شنیدیم که می گویند، عملکرد فرزندشان از سمت مدرسه همیشه عالی عنوان می شود ولی در یک آزمون خارج از مدرسه که شرکت کردند، عملکرد چندان خوبی نداشتند.» او و همسرش زمانی که در جست و جوی مدرسه برای فرزندشان بودند، حوالی فاطمی مدرسه ای غیردولتی را پیدا کردند که برای مقطع دبستان ۹۰ میلیون تومان هزینه اولیه ثبت نام دریافت می کردند و ۳۰ میلیون تومان هم هزینه غذا: «اینها مدرسی هستند که تا ساعت چهار دانش آموز در آنجا می ماند.»

▼ گسترش بی عدالتی برای پرورش مدیران آینده

هزینه تحصیل دانش آموزان در مدارس غیردولتی به گفته خانواده ها، به طور متوسط حدود ۱۵۰ میلیون تومان است. هزینه ای که پرداخت آن در توان مالی بسیاری از خانواده ها نیست و نتیجه آن وجود نابرابری و بی عدالتی گسترده در نظام آموزشی است. سمانه تاجور، معلمی است که هم در مدارس دولتی، هم غیردولتی تدریس کرده و درباره امکانات آموزشی مدارس دولتی می گوید: «نبود امکانات آموزشی یکی از چالش های جدی مدارس دولتی است. حتی ابتدایی ترین نیازها، مانند امکان پرینت برگه های آموزشی، به سختی برآورده می شود. آزمایشگاه یا کتابخانه استاندارد وجود ندارد و تهیه بسیاری از لوازم آموزشی برعهده خانواده ها گذاشته می شود که یا توان مالی آن را ندارند یا به اهمیت آن آگاه نیستند.» به گفته او، در این مدارس نظارت چندانی بر عملکرد معلمان وجود ندارد: «معلم ممکن است بدون طرح درس مشخص و روش آموزشی نوین، تدریس کند و ارزشیابی ها نیز بیشتر جنبه صوری داشته باشد. معاون آموزشی نیز عمدتاً درگیر فرآیندهای بوروکراتیک و اجرای بخشنامه هاست و مسئولیت مستقیمی در قبال کیفیت آموزش ندارد.»

در نقطه مقابل، مدارس غیردولتی ملزم به سرمایه گذاری در آموزش معلمان هستند: «معلم باید با جدیدترین روش ها و محتوای آموزشی آشنا شود، مهارت های ارتباطی خود را ارتقاء دهد و به طور مداوم ارزیابی شود. در این مدارس، بقای شغلی معلم به کیفیت عملکرد او بستگی دارد و کمترین قصور می تواند موجب کنار گذاشته شدن او شود.» تاجور بر این باور است که این سیستم ارزیابی مداوم، سبب رشد حرفه ای معلم و به تبع آن، ارتقای کیفیت آموزش می شود.

با این حال این تفاوت ساختاری، نابرابری آموزشی را عمیق تر می کند: «مدارس غیردولتی در فضایی رقابتی فعالیت می کنند و برای جذب بیشتر دانش آموزان، نوآوری های آموزشی ارائه می دهند. در نتیجه آموزش به یک بنگاه اقتصادی بدل شده که قواعد بازار بر آن حاکم است.» تاجور مسئولیت این موضوع را متوجه سیاست گذاری های آموزشی کشور می داند: «زمانی که حاکمیت تصمیم به گسترش مدارس خصوصی می گیرد، در واقع بخشی از

که مدرسه می گیرد، هزینه های جانبی است که باید پرداخت کنند: «در مدرسه غیرانتفاعی، تعداد دانش آموزان در هر کلاس کمتر است و بر خورد پرسنل مدرسه هم بهتر است اما به هر حال به پولی که می گیرند، نمی آرزود من اگر مجبور نبودم این انتخاب را نمی کردم.» مریم، مادری است که این روزها در جست و جوی یک مدرسه خوب برای فرزندش در رودسر می گردد، اما کیفیت آموزشی و تربیتی مدارس را متناسب با هزینه ای که از آنها دریافت می کنند، نمی داند. او به «هم میهن» می گوید: «مدیران باتجربه و توانمند، بازنشسته شده اند و اجازه داده نشده که آن ها مدارس غیرانتفاعی یا مراکز آموزشی مانند مهدکودک یا پیش دبستانی را اداره کنند. به جای آن، مدیران منصوب از سوی سازمان آموزش و پرورش، چه در مدارس دولتی و چه در غیرانتفاعی، مسئولیت مدیریت را برعهده گرفته اند.» به گفته او معلم های توانمند بسیاری از کار کناره گیری کردند: «دختر من در دبستان دو یا سه معلم بسیار خوب داشت که توانایی تبدیل شدن به معلم نمونه کشوری را داشتند. اما اکنون این معلمان به دلایل مختلف خانه نشین شده اند و حاضر به تدریس نیستند. وقتی علت را جویا می شویم، می گویند نه ب آن ها احترام گذاشته می شود، نه حقوق و مزایای مناسب دریافت می کنند و نه شرایط کاری مناسبی دارند. آن ها ترجیح می دهند روح و روان خود را در محیطی نامناسب به خطر نیندازند.» او بر این باور است که استانداردهای آموزشی در بدترین وضعیت ممکن است: «معلمان بی انگیزه، مدیران ناتوان و ناظمانی بدون مسئولیت پذیری، و وضعیت آموزش را به شدت تحت تأثیر قرار دادند. من شخصاً در یک دبیرستان دخترانه به ناظم گفتم که چرا درباره مسائل مطرح شده در کلاس مانند تتو، مداخله نمی کنید. مشاور مدرسه پاسخ داد که باید ملایم تر برخورد کنم. من گفتم تتو برای افراد بالای ۱۸ سال مجاز است و نمی توانم اجازه دهم دخترم که زیر ۱۸ سال است، به آن فکر کند. برخی مسائل استانداردهای مشخصی دارند و باید فرد به بلوغ لازم برسد تا درباره امور مربوط به بدنش تصمیم بگیرد.» در دوماه گذشته او فشار زیادی را به دلیل نبود کیفیت آموزشی لازم، متحمل شده است. وقتی به یک دبیرستان مراجعه کردیم، همسرم مشاهده کرد که در مدرسه هیچ کتابخانه ای وجود ندارد. در حالی که من در دهه ۷۰ در دبیرستان فارغ التحصیل شدم و کتابخانه مدرسه، بزرگ ترین سالن آن بود. اما الان یک مدرسه غیرانتفاعی نباید حتی کتابخانه داشته باشد یا تجهیزات آزمایشگاهی حداقلی را ندارد.» خواهرزاده او هم سن دخترش است و در تهران محصل است: «آنها برای کلاس هشتم حدود ۱۵۰ تا ۱۷۰ میلیون تومان شهریه می پردازند؛ اما مشکلات مشابهی در کیفیت آموزش وجود دارد و تناسبی بین هزینه پرداختی و کیفیت آموزشی وجود ندارد.» او بر این باور است که هیچ استاندارد آموزشی مشخص و مشترکی در مدارس وجود ندارد و هر مدرسه، مستقل و بدون نظارت جامع عمل می کند و یک ایالت خودمختار است.

ندا، مادر دیگری است که فرزندش در مقطع متوسطه درس می خواند. او درباره هزینه های مدرسه فرزندش به «هم میهن» می گوید: «هزینه ثبت نام امسال ۲۰۰ میلیون تومان بود در حالی که سال گذشته ۱۵۰ میلیون تومان بود.» ندا، فرزندش را در مدرسه ای در منطقه لويزان ثبت نام کرده و این مدرسه برای اردو یا برنامه های جانبی و فوق برنامه آموزشی، هزینه جداگانه ای دریافت نمی کند: «مگر موارد خاصی که تفریحی است و اجباری نیست و خانواده ها هر کدام بخوانند، می توانند ثبت نام کنند و هزینه آن را پرداخت کنند.» ندا از جلسات هم افزایی تربیتی با والدین می گوید که مدرسه برای آنها برگزار می کند: «مدرسه برنامه های هم افزایی تربیتی برای اولیاء می گذارد و از ابتدای دبیرستان هر دوماه یکبار این جلسات برگزار شده است. بحران ها و نوع رفتار با نوجوانان را در هر دوره سنی به مادران توضیح می دهند و این جلسات برای ما بسیار مفید است.»